

برنامه هسته‌ای (۲۱ امتیاز) است. بدین ترتیب، این امتیازات از ماه مه ۲۰۲۳ به‌طور کلی افزایش یافته است و امتیاز کلی تهدید را به درجه «اشد خطر» رسانده است. در پایان این گزارش آمده است که با این میزان از ذخایر زیادشونده، «ایران می‌تواند به سرعت اورانیوم کافی با درجه تسلیحات برای یک زرادخانه هسته‌ای کوچک را تولید کند. علاوه بر این، ایران راه‌های متعددی برای پرتاب سلاح‌های هسته‌ای از جمله موشک‌های بالستیک دارد.» همچنین علاوه بر مواضع داخلی که گاهی بر تغییرپذیر بودن فت‌ن‌و‌ای آیت‌الله خامنه‌ای و تصمیم نظام در خصوص تسلیحات هسته‌ای اشاره می‌کند، صاحب‌نظران غربی نیز این مسئله را منتفی ندانسته و فرضیه تغییر اراده تهران را محتمل می‌دانند؛ برای مثال علی‌واظ، عضو گروه بین‌المللی بحران در مقاله‌ای با عنوان «چرا جنگ در غزه، ایران هسته‌ای را محتمل‌تر می‌کند؟» در فارن‌افرز می‌نویسد: «با ورود آمریکا به سال انتخابات ریاست‌جمهوری و دخالت حکومت ایران در دو جنگ علیه متحدان آمریکا- اسرائیل و اوکراین- چشم‌انداز واقعی برای تعامل دیپلماتیک جدی وجود ندارد. این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که ایران به توانایی تولید سلاح‌های هسته‌ای نزدیک‌تر می‌شود. امروز، تولید مقدار کافی اورانیوم غنی‌شده برای یک زرادخانه‌متشکل از چهار تا پنج کلاهک هسته‌ای توسط این کشور حدود یک ماه زمان می‌برد. ایران ممکن است تنها چند ماه بعد بتواند یک بمب عملیاتی تولید کند. پیش‌بینی دقیق زمان‌بندی این کار دشوار است، تا حدی به این دلیل که نهاد هسته‌ای سازمان ملل نمی‌تواند به‌طور کامل بر برنامه هسته‌ای تهران نظارت کند. ایران دیگر از معیارهای شفافیت توافق هسته‌ای منسوخ‌شده پیروی نمی‌کند؛ شروطی که اجازه می‌داد بازرسان بر کارخانه‌های تولید سانتریفیوژ و تاسیسات هسته‌ای اعلام‌نشده نظارت کنند. در نتیجه، تهران اکنون ممکن است بتواند کار تولید اورانیوم غنی‌شده خود را در تاسیسات مخفی انجام دهد».

گاردین نیز در مطلبی مشابه آنچه فارن‌افرز به آن اشاره کرده و همچنین با توجه به تازه‌ترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نوشت: «نگرانی‌ها در میان دیپلمات‌های آمریکایی و اروپایی درباره اینکه برنامه هسته‌ای عمدتاً نظارت‌نشده ایران و بی‌ثباتی ناشی از جنگ غزه، سبب تقویت موضع جناح‌هایی از قدرت در درون این کشور که حامی توسعه تسلیحات هسته‌ای‌اند شود، رو به افزایش است».

صحبث از توان، احتمال یا اراده برای ساخت سلاح هسته‌ای از سوی مقامات جمهوری اسلامی ایران اما برای هیچ کشوری و طرفی همچون اسرائیل خوشایند نیست؛ این رژیم که سال‌هاست به بهانه تلاش جمهوری اسلامی ایران برای ساخت بمب هسته‌ای اقدامات و خرابکاری‌های خود علیه ایران را توجیه و خواستار ائتلاف علیه تهران است، به‌تازگی نیز از ایجاد واحدی در نیروهای هوایی ارتش خود برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران پرده برداشته است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در آخرین سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شهرپیرو سال جاری بار دیگر ایران را تهدیدی برای صلح در خاورمیانه دانست و تهران را به یک «حمله هسته‌ای واقعی» تهدید کرد؛ هر چند دفتر او پس از این سخنرانی اعلام کرد، هدف بی‌بی‌بیان یک «حمله نظامی واقعی» بود.



کورش احمدی دیپلمات پیشین در سازمان ملل در گفت‌وگو با هم‌میهن:

ایران با تهدید موجودیتی مواجه نیست

کورش احمدی، دیپلمات پیشین در سازمان ملل متحد و تحلیلگر روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با هم‌میهن گفت: اظهارات مربوط به توان ساخت سلاح هسته‌ای، کار کشور را دشوارتر می‌کند، بدون اینکه نفعی به حال کشور داشته باشد. این کارشناس سیاست خارجی تأکید کرد: «سه کشوری که در آخرین مرحله به سلاح هسته‌ای دست یافتند و دنیا را در برابر عمل انجام‌شده قرار دادند، در شرایط کاملاً متفاوتی با ما قرار داشتند». احمدی گفت: «بعید می‌دانم، ۱۷ اکتبر تحولی اساسی و معنایی در استراتژی عمومی ایران ایجاد کرده باشد».

«پیش از پرداختن به موضوع دکترین جمهوری اسلامی ایران در قبال تسلیحات هسته‌ای، ارزیابی شما از واکنش مدیرکل آژانس به سخنان آقای صالحی چیست؟

البته گروسی با ذکر نام به آقای دکتر صالحی که فکر می‌کنم بازنشسته هستند، اشاره نکرده است. اما بعید نیست که منظور ایشان سخنان اخیر آقای صالحی هم باشد. مهم این است که برخی از دیگر مقامات رسمی و شاغل نیز چنین اظهاراتی داشته‌اند. مثلاً آقای اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی گفته است که «ما توان ساخت بمب اتمی را داریم». همینطور تلویزیون الجزیره سال گذشته مطلبی از آقای دکتر خرازی پخش کرد قریب به همین مضمون. مقامات ما حتماً می‌دانند که کشورهای عضو پیمان عدم اشاعه و عضو آژانس تنها متعهد به اینکه بمب اتمی نسازند، نیستند، بلکه مطابق موافقتنامه با آژانس، متعهد به شفافیت و ارائه اطلاعات مربوط به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیزشان به آژانس هم هستند. وقتی مقامات ما می‌گویند که توان ساخت بمب را داریم، این سوال را برای آژانس ایجاد می‌کنند که پس شما کارهایی کرده‌اید و از ما پنهان کرده‌اید. چون می‌دانیم که برای ساخت بمب تنها اورانیوم غنی‌شده در حد ۹۰ درصد کافی نیست، بلکه امکانات دیگری نیز مورد نیاز است که دستیابی به آنها تنها برای ساخت بمب می‌تواند کاربرد داشته باشد و به درد کار دیگری نمی‌خورد. همینطور مقامات آژانس می‌گویند اورانیوم ۶۰ درصد هم به درد کار دیگری غیر از بمب نمی‌خورد. منظورم این است که این اظهارات کار کشور را دشوارتر می‌کند بدون اینکه نفعی به حال کشور داشته باشد.

البته برای من که شاید کمی تا قسمتی با ذهنیت مقامات‌مان آشنا باشم، موضوع روشن است. آنچه که روشن نیست این است که چنین اظهاراتی را مقامات آمریکایی چقدر جدی می‌گیرند. اما مقامات آژانس و مقامات کشورهای دیگر از این اظهارات جهت اعمال فشار بر ایران اتخاذ سند می‌کنند و براساس آنها کشور را مورد سوال قرار می‌دهند.

«علاوه بر مسئله فت‌و‌ای رهبر انقلاب که شاید برای طرف غربی به آن شکلی که مدنظر ماست، قابل لمس نباشد، چه مؤلفه‌هایی را می‌توان برای عدم حرکت ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای بیان کرد؟ آیا در چارچوب منافع ملی، ساخت تسلیحات هسته‌ای برای تهران توجیه دارد؟

پاسخ کشورهای غربی به فت‌و‌ای رهبر انقلاب و استدلالات ما در این مورد معمولاً این بوده که فت‌و‌ای یک مرجع شیعه قابل تغییر است و شرایط زمان و مکان در آن تأثیر دارد. البته برخی ابهامات فنی و حقوقی دیگر هم مطرح می‌کنند. در هر حال این فت‌و‌ا، اقله‌ای را که مدنظر ما بود در خارجی‌ها ایجاد نکرد. در مورد ساخت سلاح هسته‌ای، بیان مقامات ما و تأکید آنها مبنی بر اینکه ایران قصد ساخت بمب اتمی ندارد، روشن و ارزنده است. به باور من این مواضع مقامات ما کاملاً درست است و معتقدم که حرکت در جهت ساخت بمب نه‌تنها به سود امنیت ملی ما نیست، بلکه برعکس امنیت ملی ما را به مخاطره خواهد انداخت. من از دلایلی که مقامات ما در مورد اجتناب از ساخت بمب دارند، بی‌اطلاع هستم اما برای خودم دلایلی دارم؛ دلیل اصلی این است که شرایط ما به دلایل خاصی مانند موقعیت ما و منطقه ما و نظام سیاسی خاص ما و اهداف ذکرشده در سیاست خارجی و مواجهه ما با اسرائیل و... متفاوت است. سه کشوری که در آخرین مرحله به سلاح هسته‌ای دست یافتند و دنیا را در برابر عمل انجام‌شده قرار دادند و دنیا هم بعد از مدتی کش‌وقوس نهایتاً با واقعیت هسته‌ای بودن آنها کنار آمد، در شرایط کاملاً متفاوتی با ما قرار داشتند و دارند.

اتفاق‌نظر وجود داشت و دارد که رژیم کره شمالی یک هدف را دنبال می‌کند و آن حفظ بقا است. هند نیز بعد از اتمی شدن چین و با هدف ایجاد بازدارندگی هسته‌ای در برابر چین هسته‌ای شدن را در دستور کار قرار داد و آن را محقق کرد. در پی این تحول بود که پاکستانی‌ها هم از زبان ذوالفقار علی بوتو و در پاسخ به تحریم‌های غرب گفتند «علف می‌خوریم و بمب می‌سازیم». به عبارت دیگر، روشن بود که بازدارندگی هسته‌ای هدف این دو کشور در برابر هم و هدف هند در برابر چین بود و در این مورد تردیدی وجود نداشت. کما اینکه در سال ۱۹۹۸ که پاکستان بمب اتمی خود را آزمایش کرد، وزیر خارجه وقت کشور ما آن را «بمب اسلامی» نامید و از اینکه مسلمانان اکنون اطمینان خاطر بیشتری دارند گفت. با این حال پاکستان واکنشی سریع و منفی نسبت به این اظهارات نشان داد و از تمرکز پاکستان بر دفاع ملی

تأکید کرد. نکته مهم دیگر در مورد هند و پاکستان این بود که افکار عمومی داخلی به شدت از اتمی شدن کشورهایشان حمایت می‌کرد؛ امری که معلوم نیست در مورد ایران صادق باشد.

در خاورمیانه اما شرایط متفاوت است؛ از یک طرف تهدیدی وجودی نه‌تنها علیه ایران بلکه علیه نظام سیاسی موجود از مبدأ خارج هم وجود ندارد. برای مثال قابل تصور نیست که مثلاً آمریکا به قصد تغییر رژیم به ایران حمله زمینی کند. در ارتباط با احتمال حملات موضعی و موردی به تاسیساتی در ایران نیز قرار است برنامه‌های موشکی و پهپادی ما بازدارنده باشند. ضمن اینکه این گونه حملات عمدتاً در صورتی محتمل‌تر است که طرف مقابل تصوّراتی مبنی بر حرکت ایران به سمت ساختن بمب یافته باشد. در چنین مقطعی ممکن است بیشترین خطر متوجه امنیت ملی ما بشود. مشکل دیگر، خطر شکل‌گیری یک مسابقه اتمی در منطقه است. در صورتی که ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای حرکت کند، بعید است قدرت‌های منطقه‌ای دیگر مانند عربستان و ترکیه و... در این زمینه تردید به خود راه دهند و در آن صورت ممکن است هم ما و هم منطقه ما با مشکلات بسیار بیشتری مواجه شود. این را قبلاً در شبه‌قاره هند تجربه کرده‌ایم.

«چه شرایطی امکان دارد تهران را به سمت تجدیدنظر در دکترین دفاعی خود سوق دهد؛ آیا مانند آنچه در مقاله منتشرشده در فارن‌افرز مطرح شده، تحولات پس از ۱۷ اکتبر این ظرفیت را دارد تا نقطه تغییر نگاه ایران به سلاح هسته‌ای باشد؟

بعید می‌دانم ۱۷ اکتبر تحولی اساسی و معنایی در استراتژی عمومی ایران ایجاد کرده باشد حتی با وجود فشارهایی که از ناحیه ۱۷ اکتبر به ایران و حزب‌الله وارد شد که آنها را به درگیری بکشانند، اما دیدیم که مقامات ما به درستی از کشیده شدن به ماجرا اجتناب کردند و هر چه از آن روز فاصله گرفته‌ایم و به رغم جنایات اسرائیل در غزه مقامات ما متوجه بوده‌اند که دخالت مستقیم ما نه تنها شرایط را بهتر نخواهد کرد، بلکه ممکن است به انفجاری در منطقه منجر شود که به هیچ روی نمی‌توان تصویری روشن از آینده و نتیجه آن داشت.

البته در پی تحولات بعد از ۱۷ اکتبر آژانس مدعی شده که ایران حجم غنی‌سازی ۶۰ درصدی خود را از ۳ کیلوگرم در ماه به ناگه به ۹ کیلوگرم در ماه افزایش داد. با این حال همین آژانس اخیراً گفت که حجم این غنی‌سازی در اواخر سال میلادی گذشته دوباره کاهش یافته و به ۷ کیلوگرم در ماه رسیده است. اگر این ادعاها درست باشد، شاید بتوان این فراز و نشیب‌ها را تنها واکنش ایران در ارتباط با حوادث منطقه بعد از ۱۷ اکتبر به‌شمار آورد.

«به اعتقاد شما مطرح شدن مکرر و با فاصله کم مسئله ساخت سلاح هسته‌ای در دو برنامه تلویزیونی و مطرح کردن سوال از رؤسای فعلی و پیشین سازمان انرژی اتمی در این خصوص بیانگر فعال شدن طیف حامی تغییر دکترین دفاعی در نظام است؟

اینکه این سوال و جواب‌ها نیز در جهت اعمال فشار به طرف‌های خارجی بوده را نمی‌توان منتفی دانست؛ ممکن است ابتکار مجری‌ها و مصاحبه‌شونده‌ها بوده باشد. با این حال مجری‌ها ممکن است توجه نداشته باشند، اما مقامات مصاحبه‌شونده حتماً مطلع هستند که این قبیل اظهارات بعید است تأثیری در محاسبات دیگر کشورها داشته باشد و تنها می‌تواند به کار اتخاذ سند برای زمینه‌سازی‌های مدنظر آنها کاربرد داشته باشد. مقامات اطلاعاتی آمریکایی طی یکی دو سال اخیر به دفعات گفته‌اند که نشانه‌ای حاکی از تصمیم مقامات ایرانی به ساخت بمب ندیده‌اند و این البته با تأکیدات مقامات ما مطابقت دارد. در شرایطی که غربی‌ها مدعی‌اند که از نظرات مقامات ما مطلع هستند، بعید است این اظهارات تأثیر چندانی در محاسبات آنها داشته باشد. بعلاوه، آژانس نیز خود اطلاعات قابل توجهی از برنامه‌های هسته‌ای ایران دارد.

«بیان مواضعی در رابطه با ساخت سلاح هسته‌ای و افزایش سطح امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران در مقطع کنونی با توجه به تحولات خاورمیانه و حتی نزدیک شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا چه تبعاتی برای کشور دارد؟

صرف‌نظر از این اصطلاح «امنیتی‌سازی» که من چندان درک نمی‌کنم، مسئله این است که اتفاقاً ما نشانه چنددانی در این مقطع زمانی از این «امنیتی‌سازی» نمی‌بینیم. همانطور که گفتم، آمریکایی‌ها می‌گویند که نشانه‌ای حاکی از تصمیم ایران به ساخت سلاح هسته‌ای ندیده‌اند. همچنین در همین چند نشست شورای حکام اخیر به‌رغم تراکم مشکلات بین ایران و آژانس، شاهد اقدام حادی مثل صدور قطعنامه و ارجاع به شورای امنیت نبوده‌ایم. به نظر می‌رسد که حداقل دولت بایدن اولاً مشکلات زیادی در ارتباط با بحران اوکراین و بحران غزه و... دارد و نمی‌خواهد وارد بحران حاد دیگری شود و ثانیاً احساس خطر چندانی نیز از ناحیه برنامه هسته‌ای ایران ندارد و با غنی‌سازی ۶۰ درصد هم با این فرض که ایران قصد ساخت بمب را ندارد، کنار آمده است. با آمدن احتمالی ترامپ ممکن است شرایط متحول شود اما همه چیز بستگی به مجموعه تحولات در آن زمان یعنی در ۱۱ ماه بعد خواهد داشت. اگر چه مواضع ترامپ علیه ایران و در مورد خاورمیانه تندتر خواهد بود، اما از هم‌اکنون به سختی می‌توان اظهارنظر قاطعی کرد.



دیپلمات‌ها



آمادگی ایران برای میانجی‌گیری در جنگ اوکراین

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست هفتگی خود با خبرنگاران در مورد اخبار منتشرشده مبنی بر تلاش برخی از کشورهای اروپایی برای اعزام احتمالی نیروهای ناتو به اوکراین جهت جنگ با روسیه تصریح کرد: «همان‌طور که بارها اعلام کرده‌ایم ما جنگ را راه‌حل نمی‌دانیم و از همان ابتدای این بحران بر راهکار سیاسی تأکید کرده‌ایم و آمادگی داریم که برای حل و فصل این بحران در چارچوب مناسبات دوستانه‌ای که با دو طرف داریم، میانجی‌گری کنیم و این آمادگی را بارها اعلام کرده‌ایم.» کنعانی تصریح کرد: «متأسفانه آنچه که شاهد آن هستیم دامن زدن یک جریان و یک جبهه به این جنگ و آتش‌افروزی است و ما این را در قالب کمک‌های تسلیحاتی از سوی برخی از کشورهای غربی به یک طرف جنگ شاهد هستیم»

سخنگوی وزارت امور خارجه در ادامه گفت‌وگوی خود با خبرنگاران در پاسخ به سوالی در ارتباط با تحولات در دریای سرخ و ادامه حملات آمریکا به یمن به بهانه ایجاد بی‌ثباتی از سوی انصارالله در دریای سرخ گفت: «اقداماتی که در طول ماه‌های گذشته در دریای سرخ شکل گرفته، نتیجه تحولات در فلسطین است و در واقع ارتباط مستقیم با وضعیت فلسطین دارد.» وی با بیان اینکه همان‌طور که انصارالله اعلام کرده اقدامات آن‌ها علیه کشتی‌هایی است که به سمت بنادر رژیم صهیونیستی حرکت می‌کنند و آن‌ها هیچ کشتی دیگری را مورد هدف خود قرار نداده‌اند، افزود: «در واقع آن‌ها تأکید دارند که امنیت دریانوردی در دریای سرخ برای کشتی‌های سایر کشورها برقرار است و آن‌ها قصدی برای بی‌ثبات کردن دریای سرخ ندارند.» کنعانی در بخش دیگری صحبت‌های خود در پاسخ به این سوال تصریح کرد: «متأسفانه دولت آمریکا به جای تمرکز بر کانون بحران به حواشی این جنگ توجه دارد و قطعاً اقدامات آمریکا در دریای سرخ تأمین‌کننده ثبات و امنیت نیست، بلکه به دامنه بی‌ثباتی می‌افزاید.» سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در پاسخ به سوالی درخصوص ارسال کمک به مردم غزه از سوی آمریکا به صورت هوایی گفت: «کمک‌های هوایی آمریکا صرفاً نمایش است. این کشور با وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل مانع توقف فوری جنگ در این منطقه‌شده است. آمریکا همچنان تسلیحات خودش را برای کمک به رژیم صهیونیستی به این منطقه اعزام می‌کند.»

وی گفت: «این کشور در راستای توجیه سیاست جنگ‌طلبانه خودش به دنبال این است که با برخی از اقدامات مضحک و نمایشی تلاش کند وجهه جنگ‌طلبانه خودش را اصلاح کند ولی خوشبختانه افکار دنیا متوجه این اقدامات نمایشی هستند و دیدگاه آن‌ها در مورد وجهه جنگ‌طلبانه آمریکا تغییر نخواهد کرد.» سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در پاسخ به سوالی در مورد خط لوله گاز ایران و پاکستان و برخی از فشارها از سوی آمریکا به اسلام‌آباد در این زمینه گفت: «خوشبختانه دو کشور مذاکرات خوبی در این زمینه داشته‌اند و مذاکرات فنی برای ادامه این پروژه ادامه دارد. متأسفانه فشارهای آمریکایی از عوامل مخرب در روابط کشور‌های منطقه بوده است و انتظار این است که کشورهای مستقل به دور از فشارهای آمریکا مناسبات سیاسی خود را با دیگر کشورها دنبال کنند و تحت تأثیر این فشارها عمل نکنند.» کنعانی همچنین در مورد درخواست ایران برای اخراج اسرائیل از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد گفت: «قطعاً اخراج این رژیم از کمیسیون مقام زن فوری‌ترین اقدامی است که باید اتفاق بیفتد اگر صادقتی در این زمینه وجود داشته باشد.» وی با اشاره به کشته‌شدن چندین هزار زن در جریان حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه افزود: «این چیزی است که براساس این کشتار، ایران اعلام کرده که باید اتفاق بیفتد. این یک محک برای سنجش صداقت کشورهایی است که شعار حمایت از حقوق زنان را مطرح می‌کنند.» سخنگوی وزارت امور خارجه بار دیگر با انتقاد از بی‌عملی نهادهای بین‌المللی در حمایت از جنایت‌های رژیم صهیونیستی گفت: «اگر مجامع بین‌المللی از ظرفیت‌های خود برای توقف قتل‌عام در فلسطین و غزه نبودیم،»